



## محاكمه

روز 18 آگوست روز دلهره آوری بود.

از آن روز همه به فکر محاکمه هری بودند. البته بجز رون ، هرمیون ، جینی و آقای ویزلی کسی خبر نداشت.

بقیه فکر می کردند هری برای آشنایی با مسئولین وزارت و شغل آینده اش به وزارت جادو می رود.

هری تازه فهمیده بود که چرا آن روز آقای ویزلی شغل مورد علاقه اش را از او سوال کرده بود. روز نوزدهم همه با هم دور میز بودند ولی هری اشتباهی نداشت.

وقتی شب به اتاق رفت جینی آمد و گونه اش را بوسید و برایش آرزوی موفقیت کرد و حتی وقتی وارد رخت خواب شد ناگهان در باز شد و رون و هرمیون آمدند و گفتند که فردا به عنوان شاهد می آیند و هری کلی اسرار کرد تا بالاخره هرمیون راضی شد که نیاید ولی رون می خواست حتما شهادت بدهد.

صبح روز بعد وقتی هری پایین رفت رون هم لباس پوشیده بود و با مادرش دعوا داشت: "اگه هری

حق داره بره منم دارم ... منم بالاخره شاید بخوام تو وزارت کار کنم."

هری سریع دوید و گفت: "سلام ... خانم ویزلی بذارید رون هم بیاد."

خانم ویزلی ناگهان لحنش آرام شد و گفت: "ولی..."

آقای ویزلی گفت: "راست میگه مولی ، بذار اون هم بیاد .. من خودم بهش پیشنهاد دادم بیاد"

\_ " ولی ... خوب باشه من تسلیمم ... رون تو می تونی بری."

رون فریاد زد: "عالی شد."

بعد از صبحانه هر سه نفر راه افتادند و بیرون از خانه منتظر ماشین وزارت جادو شدند.

ماشین رفت و پس از چند دقیقه مقابل در وزارت جادوگری متوقف شد.

هری ، رون و آقای ویزلی وارد کوپه تلفن عمومی شدند و شماره گیری کردند: 62442

سپس کارت هایشان را به سینه هایشان زدند که روی آن نوشته بود :

هری پاتر

کمیته انضباطی

بعد بچه ها برای تفتیش بدنی رفتند و بعد سوار آسانسور شدند و در طبقه دوم (بخش اعمال قوانین جادویی) پیاده شدند...

آقای ویزلی بیرون رفت و هری و رون دنبال او دویدند.

هر سه از چند در بلوطی رد شدند و به سمت راست پیچیدند تا به یک سالن گرد رسیدند. چهار طرف سالن چهار راهرو بود که بالای هر کدام تابلو ای زده بودند.

"ویزنگامونت"

"استفاده نابجا از جادو"

"شورای جادوگران"

"تنظیم قوانین"

این بار وارد راهروی ویزنگامونت شدند. هر دو طرف راهرو پوشیده از در بود و در انتهای راهرو دری با تابلو "شورای ویزنگامونت" بود. همینطور که جلو می رفتند هری به چند در نگاه کرد. اکثرا دادگاه هایی با نام جادوگران دادگر بود مثل دادگاه "استابی رابنز" یا "آملیا بونز" اما در این میان عنوان هایی چون "دفتر قوانین اصلی" و "پرونده های مجرمانه" بر روی در ها دیده می شد.

آقای ویزلی آن ها را مقابل دادگاه آملیا بونز متوقف کرد و گفت: "خوب شما برین تو .. البته چند دقیقه دیگر .. تا سه دقیقه دیگر دادگاه شروع میشه."

هری نگاهی به رون کرد.

رون سرخ شده بود و اضطرابش از زمانی که بازی کویدبیچ می کرد هم بیشتر بود.

رون گفت: "شما نمیاید بابا؟"

آقای ویزلی گفت: "من از در پشت میرم ... سپس با حالتی که برای بچه ها سورپرایز باشد گفت: من جزء هیات ریسه هستم."

ناگهان اضطراب رون فروکش کرد ... البته هری این را تا حد اطمینان حدس می زد.

آقای ویزلی رفت و هری و رون پس از چند دقیقه که با سکوت خاصی گذشت وارد شدند.

آن ها وارد سالن بزرگی شده بودند که دور تا دور آن مانند سال سینما صندلی داشت و هر ردیف که بالاتر از ردیف قبلی بود تا همه به راحتی دید داشته باشند.

در وسط یک صندلی بزرگ چوبی بود. هری وارد شد و بدون هیچ حرفی روی صندلی نشست.

کرنلیوس فاج رییس بخش اعمال قوانین جادویی در صدر همه نشسته بود گفت: "خوب شروع می کنیم ... این دادگاه به منظور ..."

بلافاصله با شروع صحبت های او صدای سریع کشیدن شدن قلم پری روی کاغذ آمد و هری پرسى ویزلی را دید که یاد داشت بر می داشت .

... بررسی جرم آقای هری جیمز پاتر تشکیل شده ... ایشان مرتکب به جرم اجرای طلسم نابخشودنی شده اند."

چشم هری به آقای ویزلی افتاد که در کنار فاج نشسته بود. در سمت دیگر فاج جادوگرزی با مو های بور و صورت کشیدهو چشم های ریز نشسته بود.

فاج ادامه داد: "اعضای هیات ریسه عبارتند از : کرنلیوس اسوالد فاج رییس بخش اعمال قوانین جادویی ، آرتور جیم ویزلی رییس بخش طلسم های نابخشودنی ، روبرت آرتور بونز رییس بخش ورد های دفاعی و منشی آرتور ویزلی و همچنین پرسى ایگناتیوس ویزلی کاتب دادگاه." سپس آقای ویزلی چیزی در گوش فاج گفت و فاج ادامه داد: "همچنین رونالد بیلوس ویزلی شاهد مدافع"

سپس یک صندلی درست مثل مال هری در کنار او ظاهر شد و رون بالاخره به از کنار در جلو آمد و روی آن نشست.

فوج گفت: " دادخواست قرائت خواهد شد:"

آقای ویزلی بلند شد و کاغذی پوستی جلو خود گرفت و گفت: " هری جیمز پاتر متهم است که در صحت کامل فکر و بلوغ کامل و با این که میدانسته عملی غیر قانونی انجام میدهد مرتکب یک جادوی نابخشودنی شده است که طبق قانون منع استفاده از این حادو در بند چهارم قانون محدودیت ورد ها مصوب 1822 جزای آن در صورت عدم اعتراف حبث ابد در آزرکابان و در صورت اعتراف سی سال زندان می باشد. همچنین طبق قانون بین المللی جادوگران سیدل در صورت این که ورد در برابر انسانی خطرناک انجام گرفته باشد حبث به 15 سال کاهش خواهد یافت.

هری بلافاصله گفت: " پس من حداکثر 15 سال زندان خواهم شد."

فوج گفت: " آیا تو مرتکب اجرای ورد نابخشودنی شده ای؟"

هری گفت : " بله ، ولی در مقابل یک مرگخوار که قصد کشتن من را داشت."

فوج گفت: " و این مرگ خوار کی بود؟"

هری گفت: " بلاتریکس لسترانج"

آقای ویزلی گفت: " با توجه به این که شما دو بار مرتکب اجرای طلسم شدید نفر دوم کی بود."

هری گفت: " اون رو نمی شناختم ولی مرگخوار بود و همراه سوروس اسنیپ آمده بود ."

فوج گفت: " و اسنیپ چی شد."

هری گفت: " اون فرار کرد."

فوج رو به رون گفت: "آیا شما رونالد بیلپوس ویزلی ساکن خانه سوم شمالی بارو هستید؟"  
رون گفت: "بله."

فوج گفت: "شما در صحنه حضور داشتید."

رون با ترس گفت: "بله، من و هری و دوست دیگرم هرمیون گرنجر در صحنه بودیم من و هرمیون گرنجر در حال جنگ با مرگخوار ناشناس بودیم و هری پاتر با اسنیپ می جنگید.

وقتی اسنیپ را متوقف کرد هری از دور مرگخوار ناشناس را کشت."

کرنلیوس فاج گفت: "اضحارات کمی ناقصه و ما نمی تونیم تصمیم بگیریم."

آقای ویزلی گفت: "می تونیم هیات تحقیق بفرستیم"

فوج گفت: "با توجه به اضحارات ..."

هری گوش نمی داد. به ساعتش نگاه کرد ... یک ربع از ورودش به دادگاه گذشته بود."

... مربوط بوده و در نتیجه دادگاه به جلسه دوم موکول خواهد شد و رونالد ویزلی موصف است در

جلسه بعدی حضور داشته باشد. ختم جلسه."

هری بلافاصله از صندلی بلند شد طوری که روبرت بونز کمی شوکه شده بود. هری به سمت در

رفت و اولین نفری بود که از دادگاه خارج می شد.

به سمت خروجی راهرو رفت و بالاخره در سالن گرد متوقف شد.

از این که محکوم نشده بود خوشحال بود اما از این سردرگمی خوشش نمی آمد.

دلش می خواست تکلیف این قضیه زودتر روشن شود.

در همین افکار بود که مردی از جلو او گذشت ... برای یک لحظه نگاه هری با نگاه مرد در هم

افتاد. هری احساس می کرد سرش سنگین شده گویی مرد تمام قدرتش را با نگاه روی سر او

ریخته بود.

هری بعد از اینکه روبرت بونز رد شد به فکر فرو رفت و تا وقتی که رون به او رسید از فک لبخند

شیطانی روبرت بونز بیرون نمی آمد.